

گزارش ILO و نامه نمایندگان کارگران نفت پیرامون شکل های کارگری

متن کامل گزارش هیئت مشاوره سازمان بین المللی کار (ILO)، "شاخه آزادی انجمن" که به دعوت دولت جمهوری اسلامی برای بررسی درجه انطباق قانون کار جاری، با اصول و استانداردهای ILO در زمینه "آزادی انجمن" به ایران سفر کرده بود، در سایت "ایسنا" انتشار یافت. این هیئت به ریاست آقای "برنارد جرنیگان"، رئیس "شاخه آزادی انجمن" و خانم "کرن کرتیس"، رئیس "اداره آزادی انجمن" ILO، پس از یک هفته اقامت در ایران (۵ تا ۱۱ مهر ۸۱) و گفتگوهایی که پیرامون شکل های کارگری، با افراد مختلف وابسته به نهاد های حکومتی و تشکل های کارگری فرمایشی به عمل آورد، جمع بندی و نظر نهایی خود را در این باره اعلام نمود. به رغم سخنان دو پهلوی و موضع گیری های فوق العاده اداری و بورکراتیکی که در این گزارش نیز به چشم می خورد، معهذرا در این گزارش، هیئت اعزامی ILO در برخورد به اصل قضیه، نسبت به آنچه که پیشتر از این عنوان نموده بود، از برخی جنبه ها به صراحت گویایی نزدیک تر می شود. به عبارت دیگر محتوای گزارش به گونه ای است که خواننده با مطالعه متن آن، آسان تر می

تواند به اصل قضایا پی ببرد. هیئت اعزامی ILO در سفر به ایران، کار تحقیق و بررسی خود را اساساً روی این موضوع محوری متمرکز ساخته بود و از نظر خود باید به این سؤالها پاسخ می داد که تشکل های کارگری موجود یعنی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، تشکل های صنفی، آزاد و مستقل هستند یا نه؟ این تشکل ها، به طور واقعی کارگران را نمایندگی می کنند یا نه؟ و بالاخره از لحاظ ساختاری بانرم های ILO در این زمینه تطابق دارند یا نه؟

تا آنجا که به کارگران و منافع کار برمی گردد، از نظر کارگران ایران، این موضوع از زوایا مثل روز روشن بود که شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، تشکل هایی صد درصد وابسته به دولت اند. این تشکل ها نه آزادند، نه مستقل و اساساً ربطی به نمایندگی توده کارگران و منافع آنها نداشته اند و ندارند. از نظر کارگران، این موضوع جدیدی نیست. اما از دیدگاه سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها که تا دیروز با تمام وجود از این تشکل های

گزارش ILO و نامه نمایندگان

کارگران نفت پیرامون تشکل های کارگری

فرمایشی حمایت می‌کردند و به مثابه‌بازار جاسوسی، فشار و سرکوب و ایجاد تفرقه در میان کارگران از آن استفاده می‌کردند نیز این طور به نظر می‌رسد که برخی فاکتور ها تغییر کرده است به نحوی که حفظ و تداوم کار این تشکل‌ها را، در شکل و شمایل تاکتونی، دیگر با خواست و منافع خود، ناهمخوان می‌بینند. اکنون چند سالی است که عمرفیاد این تشکل‌ها لااقل از نظر یک جناح حکومتی به سر رسیده است. شوراهای اسلامی و خانه کارگر، در تامین نیازها و منافع سرمایه در محیط کار و مناسبات مربوطه، کارایی خود را به کلی از دست داده اند و دولت، زمینه برچیده شدن آنها را به یاری فرستادگان سرمایه بین‌المللی دارد فراهم می‌کند تا چیزی را که بانیان‌های لحظه فعلی سرمایه مطابقت کند جایگزین آن سازد و منافع سرمایه را خارج از تشویش‌ها، نامنی‌ها و نگرانی‌های محیط کار تامین و تضمین کند. از همین روست که در گزارش هیئت اعزامی ILO هر چند با رعایت حداکثر محافظه کاری و هرچند در مرحله نخست نه با اظهار نظر مستقل و مستقیم، بلکه با استناد به حرف‌های کسانی که اعضاء هیئت با آنان ملاقات داشته است، اما به هر حال به سئوال‌هایی که فوفا بدان اشاره شد، پاسخ منفی داده می‌شود.

از نظر سرمایه‌چهره در عرصه داخلی، چه بین‌المللی، سازمان‌دهی مناسبات بین کارگر و کارفرما، مسئله ایجاد تشکل‌های کنترل شده، بدون حسو و زوائد و محدودیت‌های تاکتونی به ویژه مستقل از چارچوب‌های "ایدئولوژیکی" به یک ضرورت فوری تبدیل شده است. دولت جمهوری اسلامی، به یک معنا جبهه دوم خرداد در عرصه داخلی و ILO در عرصه بین‌المللی دو جانب این قضیه، برسر این مسئله توافق عمومی دارند. از همین روست که اگر در گذشته ای نه چندان دور، دولت نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را در قالب هیئت‌های کارگری به عنوان یگانه نمایندگان کارگران که کنفرانس‌ها و اجلاس‌های ILO می‌فرستاد و ILO نیز سالیان متمادی این هیئت‌ها را می‌پذیرفت، اکنون هردو جانب دارند حرف‌های دیگری می‌زنند و از این موضع برگشته اند و یا دارند برمی‌گردند. نه دولت، این تشکل‌ها را به عنوان "تنها نهاد و کارگزار اصلی کارگران" می‌شناسد و نه ILO، و علاوه بر آن در گزارش ILO از "آزاد" نبودن و "مستقل" نبودن این تشکل‌ها نیز صحبت می‌شود و صریحا قید می‌شود که شوراهای اسلامی، "بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آنها، نمی‌توانند کاملا نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند" و کاشف به عمل می‌آید که این تشکل‌ها در وزارت کشور به ثبت رسیده - اند که مسئولیت ثبت احزاب سیاسی را عهده دار است، نه در وزارت کار و به عنوان تشکل‌های صنفی. بهر رو به رغم محافظه کاری‌های معمول هیئت اعزامی ILO، ارزیابی این هیئت‌که در گزارش انعکاس یافته مبتنی بر این است که وضعیت جاری در سطح واحد کار، ناقص مفهوم واقعی آزادی انجمن مندرج در مقاله نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار است. به رغم این اما در گزارش هیئت ILO یک

شکل خاص تشکل کارگری یعنی انجمن‌های صنفی که جبهه دوم خرداد نیز از آن دفاع و طرفداری می‌کند تأیید و برآن تأکید ویژه شده است. در این مورد، گزارش چنین می‌نویسد: "برای هیئت مشخص شد که تشکیلات انجمن صنفی در تمام سطوح (واحد کار، صنعت، منطقه و ملی) بهترین نمونه برای تحصیل این آزادی و استقلال است " و به عنوان نمونه‌های "خوب" تازه تاسیس شده این نوع انجمن‌های صنفی، از انجمن صنفی روز- نامه نگاران و انجمن صنفی رانندگان نام می‌برد. در همین راستا، هیئت اعزامی ILO البته از آنجا که نمی‌تواند موجودیت شوراهای اسلامی و خانه کارگر را انکار نماید، به گردانندگان و اعضاء این ارگان‌ها، تاسیس این گونه "انجمن" ها و انطباق با آن رتوصیه می‌کند و دست اندرکاران این تشکل - هانیز ضمن تلاش برای به انطباق کشیدن خود با وضعیت جدید، پروسه استحاله‌خویش را آغاز کرده‌اند و کم و بیش دارند به‌توصیه - های ILO عمل می‌کنند. کما این که از مقطع سفر هیئت ILO به این طرف، خانه کارگردست به کار ایجاد چندین انجمن شده و ILO را نیز در این زمینه به یاری طلبیده است. معهدا توصیه هیئت اعزامی ILO به این خلاصه نمی‌شود. هیئت ILO ساده‌ترین و مستقیم‌ترین راه رسیدن به "انجمن و تشکل صنفی" را، اصلاح تبصره ۴ از ماده ۱۳۱ قانون کار می‌داند به نحوی که در نمایندگی اشکال مختلف تشکل‌های کارگری، انحصار و حق ویژه وجود نداشته باشد. در تبصره یاد شده چنین آمده است "کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کار - گران را داشته باشند. هیئت اعزامی ILO ضمن توصیه به حذف کلمات " فقط " و " یا " از این تبصره، خواهان تدوین قانون و مقررات تشکل‌های صنفی که حق کارگران را در ایجاد تشکیلاتی به انتخاب خودشان بدون محدودیت‌های قبلی به رسمیت بشناسد، "

مجموعه برخورد‌های هیئت‌اعزامی ILO نسبت به مسائل و تشکل‌های کارگری، خصوصا الگوی مورد تأیید و توصیه این هیئت یعنی انجمن صنفی مدل انجمن صنفی رانندگان و روزنامه نگاران، نامه اعتراض گونه شماری از نمایندگان کارگران شرکت نفت را در پی داشت، در این نامه که خطاب به کارشناسان سازمان بین‌المللی کار " برنارد جرنیگان " و " کرن کرتیس " نوشته شده و علی‌پیچگاه، نماینده شورای متحد پالایشگاه تهران در شورای کارکنان صنعت نفت، محمد صادق خرم، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه شیراز در شورای صنعت نفت، عبدالرسول فقها زاده، نماینده شورای ابزار دقیق پالایش - گاه تهران، کیومرث شهنی، دبیر سندیکای کارگران انبارنفت ری، خطوط لوله و مخابرات صنعت نفت، یدالله خسروی، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه تهران در شورای صنعت نفت آن را امضا کرده‌اند، از شوراهای اسلامی کار که در غیاب تشکل‌های مستقل کارگری خود را نماینده کارگران جازده‌اند، به عنوان نهاد های " کاملا دولتی و ایدئو- لوژیک" یاد شده و دخالت سران و دست‌اندر کاران این "شوراها"، درامور کارگری محکوم شده است. امضا کنندگان نامه همچنین خواستار تشکیل تشکل‌های مستقل کارگری شده اند. در این نامه همچنین به گزارش هیئت ILO در مورد انجمن‌های صنفی روز نامه نگاران و رانندگان، برخورد انتقادی شده است و با عنوان کردن این موضوع که " تشکیل دهندگان انجمن صنفی روزنامه

نگاران، به طور عموم نه کارکنان مطبوعات، بلکه صاحبان مطبوعات هستند و در انجمن صنفی رانندگان وسائل نقلیه سنگین نیز صاحبان کامیون‌ها در مقابل رانندگان از اکثریت مطلق برخوردارند" گفته شده است که این "دو تشکل ساخته احزاب سیاسی بوده و تشکل واقعی کارگری نیستند" و بدین ترتیب قضاوت هیئت ILO در مورد سئوال قرار داده و آن را نادرست دانسته اند.

از دیگر موضوعاتی که کارگران در نامه خود به آن اشاره کرده‌اند، اعتراض به محدودیت - های تاکتونی در مورد ایجاد تشکل‌های کارگری در صنایع بزرگ از جمله صنعت نفت است. نویسندگان نامه با یادآوری این نکته که " طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هرگونه تشکل در صنایع بزرگ‌گون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تا کنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است " خواهان این شده اند که اولاً، تمامی مواردی که به نحوی از انحاء " مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کار - گران " است، از قانون کار حذف شود، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل‌های مستقل خود را بر مبنای مقاله نامه‌ها و توصیه نامه‌های ILO به‌وجود آورند و دوما خواهان آن شده اند که ILO مقدمات برگزاری "یک مجمع عمومی آزاد برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارکنان صنعت نفت، با نظارت مستقیم نمایندگان سازمان بین- المللی کار و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی" را فراهم کند تا از دخالت نیروهای غیر کارگری نیز ممانعت به عمل آید.

این که ILO در قبال نامه نمایندگان کار- گران نفت چه واکنشی از خود نشان خواهد داد و این که دولت و مجلس جمهوری اسلامی، چگونه و تا کجا به دست کاری قانون کار خواهد پرداخت و احیاناً چه قانون و مقررات جدیدی ناظر بر تاسیس و فعالیت تشکل‌های کارگری تدوین خواهد نمود، این‌ها همه بعداً روشن تر خواهد شد. اما آنچه که از همین امروز روشن است، این است که عمر شوراهای اسلامی و خانه کارگزار نظردولت حاکم به سر رسیده است. سرمایه‌داران داخلی (و شرکاء خارجی آنها) و دولت به عنوان پاسدار منافع این طبقه، در راستای تامین نیازها و منافع این طبقه است که دارند دست از سر این تشکل‌ها بر می‌دارند و دست برداشته اند.

جناح‌های حکومتی به رغم اختلافاتی که بر سر این موضوع ممکن است باهم داشته باشند و فراتر از جناح‌ها، کل حکومت اسلامی در صدد آنند تشکل‌های مطیع و کنترل شده ای آنها را بالا و بدون دخالت کارگران ایجاد کنند. این مسئله مثل روز روشن است که هیچ طرفی - همان طور که در الگوی مورد تأیید و توصیه ILO که دولت هم از آن طرف داری می‌کند نیز این موضوع انعکاس یافته است- به غیر از خود کارگران، دنبال ایجاد تشکل‌های واقعا مستقل و واقعا آزاد کارگری که از پائین و توسط توده‌های کارگر و به ابتکار خود کارگران شکل بگیرد نیستند. با علم به این قضیه است که کارگران همچنان باید بر حق خویش به برپایی تشکل‌های مستقل و سراسری، بدون دخالت دولت و بدون دخل و تصرف تشکلهای فرمایشی، تأکید کنند. اگرکه در موقعیت و شرایط ویژه فعلی، اوضاع را به سود این روند، یعنی برپایی تشکل‌های واقعا مستقل کارگری می‌بینند، از آن استفاده کنند و تشکل‌های خویش را سازمان دهند.